

ارائه الگوی ساختاری پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری مؤلفه تعهد عشق ورزشی در دانشجویان متأهل*

زهرا منصوری^۱، فریبرز باقری^۲، فریبرز درتاج^۳، خدیجه ابوالمعالی^۴

Providing a structural model for predicting marital intimacy based on attachment styles mediated by the component of love commitment in married students

Vahid Baharvand¹, Fariborz Bagheri², Fariborz Dortaj³, Khadijeh Abolmaali⁴

چکیده

زمینه: صمیمیت زناشویی، به عنوان یک فرآیند پویای مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل و یک نیاز درونی برای دلبستگی است که یکی از عوامل مهم در زمینه بهبود روابط زوجین است. از این رو، مسأله پژوهش حاضر این بود که آیا سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تعهد عشق ورزشی نقش‌ی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی دارد؟ **هدف:** ارائه الگوی ساختاری پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری مؤلفه تعهد عشق ورزشی در دانشجویان متأهل بود. **روش:** از نوع توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان مشغول تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران بود. تعداد ۴۰۰ نفر به روش تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار عبارتند از: مقیاس صمیمیت زناشویی والکر و تامپسون (۱۹۸۳)، مقیاس عشق مثلثی استرنبرگ (۱۹۸۶) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شاور (۱۹۸۷). نتایج با روش ماتریس همبستگی، تحلیل رگرسیون و برازش تحلیل مسیر تحلیل شدند. **یافته‌ها:** سبک دلبستگی ایمن بر صمیمیت زناشویی و تعهد عشق ورزشی اثر مثبت و معنادار دارد ($P < 0/01$). سبک دلبستگی اجتنابی بر صمیمیت زناشویی اثر معناداری ندارد ($P > 0/05$)، اما بر تعهد عشق اثر منفی و معنادار دارد ($P < 0/05$). همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا بر صمیمیت زناشویی اثر معناداری ندارد ($P > 0/05$)، اما بر تعهد عشق اثر منفی و معنادار دارد ($P < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** تعهد به عنوان یکی از مؤلفه‌های عشق ورزشی، نمی‌تواند نقش میانجی بین سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی در جامعه مورد نظر را داشته باشد. **واژه کلیدها:** صمیمیت زناشویی، سبک‌های دلبستگی، تعهد عشق ورزشی

Background: Marital intimacy, as a dynamic process based on mutual trust and respect and an intrinsic need for attachment, is one of the important factors in improving couples' relationships. Therefore, the question of the present study was whether attachment styles mediated by love commitment play a role in predicting marital intimacy? **Aims:** To present a structural model for predicting marital intimacy based on attachment styles mediated by the love commitment component of married students. **Method:** This was a descriptive-correlational study. The statistical population consisted of all students studying at Gachsaran Islamic Azad University. A sample of 400 people was selected by stratified random sampling. The instruments include the Walker and Thompson Marital Intimacy Scale (1983), the Sternberg Triangular Love Scale (1986), and the Hazen and Shaver Attachment Styles Questionnaire (1987). Results were analyzed by correlation matrix, regression analysis and path analysis. **Results:** Safe attachment style had a significant positive effect on marital intimacy and love commitment ($P < 0/01$). Avoidant attachment style had no significant effect on marital intimacy ($P < 0/05$), but it had a significant negative effect on love commitment ($P < 0/05$). Also, ambivalent attachment style had no significant effect on marital intimacy ($P < 0/05$), but it had a significant negative effect on love commitment ($P < 0/05$). **Conclusions:** Commitment as one of the components of love cannot play a mediating role between attachment styles and marital intimacy in the target community. **Key Words:** Marital intimacy, attachment styles, love commitment

Corresponding Author: f.bagheri@srbiau.ac

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول است.

1. Ph.D Student of Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran
2. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
2. Associate Professor, Psychology Department, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. استاد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
3. Professor, Educational Psychology Department, Allame-Tabatabaie University, Tehran, Iran
4. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران
4. Associate Professor, Psychology Department, Islamic Azad University, Roudehen Branch Tehran, Iran

مقدمه

از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل‌های سالم و سازنده میان آنها، برقرار بودن عشق نسبت به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است (ادلای و ردزوان، ۲۰۱۰). نیاز به عشق^۱، صمیمیت^۲، ایجاد رابطه صمیمانه با همسر و ارضای نیازهای عاطفی - روانی از جمله دلایل اصلی زوج‌های امروزی برای ازدواج است (اعتمادی، ۱۳۸۷). چرا که صمیمیت به‌طور کلی به‌عنوان بخشی ضروری از یک رابطه در نظر گرفته می‌شود (استیونس، ۲۰۰۵). فردی که میزان صمیمیت زناشویی بالاتری را تجربه کند، قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کرده و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به همسر خود ابراز نماید (دونینگ، ۲۰۰۸).

از سوی دیگر، عشق را می‌توان کلید موفقیت زندگی زناشویی، روابط دوستانه و شاد بین زوجین به حساب آورد (آلفاسی، گرامزو و کارنلی، ۲۰۱۰). تعاریف متعددی در رابطه با عشق شده که از این جمله می‌توان به کلیدواژه‌هایی چون «تعهد^۳، علاقه، مسئولیت، احترام، درک متقابل، صمیمیت، غیرفعال شدن فعالیت شناختی، اعتیاد دائمی، واکنش حساس بدن به معشوق» اشاره کرد (آتاک و تستان، ۲۰۱۲). نظریه مثلث عشق استرنبرگ^۴ فرض می‌کند که صمیمیت، شور و تعهد، عناصر لازم برای دست یافتن به عشق کامل است. تعهد در کوتاه‌مدت، شامل این تصمیم است که فرد به شخص دیگری عشق بورزد و در بلندمدت، تعهد شامل تصمیمی برای حفظ کردن همان عشق است (استرنبرگ، ۲۰۰۶). آوریچک، کمپ و اینگلر (۲۰۰۷) در تحلیل رگرسیون خود نشان دادند که مؤلفه عشق‌ورزی تعهد به طور معناداری می‌تواند تداوم روابط صمیمانه زوجین را پیش بینی کند.

با توجه به بسترهای فرهنگی - معنوی در جامعه ما، بررسی مدل‌ها و نظریه‌های نوین در عرصه مشاوره زناشویی و خانواده با مدنظر قرار دادن عوامل مؤثر در غنی‌سازی روابط زناشویی و به منظور پیشگیری و درمان تعارض بین فردی (زناشویی، خانوادگی و غیره) و همچنین بالا بردن صمیمیت و کیفیت زناشویی استفاده از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

از این‌رو، یکی از مهمترین گام‌های شناسایی عوامل مؤثر در این زمینه، بررسی تجارب اولیه زوجین با مراقبان و یا نوع رابطه عاطفی وی با والدین خود در دوران کودکی در جهت ارتقای سازگاری، افزایش صمیمیت و کیفیت روابط زناشویی است (بری و همکاران، ۲۰۱۴).

روابط اولیه بین کودک و مادر، نه تنها در ساختار شخصیتی، بلکه در کارآمدی روابط زوجی (بلوم، ترجمه شریفی‌درآمدی و کامکاری، ۱۳۸۱)، صمیمیت و رضایت زناشویی کاملاً مؤثر است (آیزنک، ۲۰۰۰).

بر همین مبنا، هازن و شاور (۱۹۸۷) معتقد هستند که انواع زنجیره‌های دلبستگی که در دوران کودکی تشکیل می‌دهیم، سبک عشق‌ورزی و میزان صمیمیت زناشویی را در دوران بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد (میکولینسر، شاور و گیلاث، ۲۰۰۹).

نظریه دلبستگی، انسان را به‌عنوان موجودی اجتماعی می‌نگرد که ظرفیت برقراری ارتباط با سایر انسان‌ها را دارد. اینزورث، سه سبک دلبستگی^۵ را بر اساس درجه اعتماد کودک به پرستاران (والدین) به سه دسته تقسیم می‌کند: ایمن^۶، دوسوگرا^۷ و اجتنابی^۸ (ورنون، ۲۰۰۶). مطالعات نشان داده‌اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با افراد نا ایمن سطوح بالاتری از صمیمیت، انتظارات مطلوب نسبت به شریک خود، کیفیت زناشویی بهتر و خوش‌بینی بیشتر نسبت به ازدواج و عشق و تعهد بیشتری را نسبت به یکدیگر گزارش می‌کنند (شارانیا و ایکس، ۲۰۰۷).

یک رابطه ایمن با فردی صورت می‌پذیرد که نسبت به او احساس دلبستگی بشود. در دوران بزرگسالی، این ارتباط امن بیشتر با همسر شکل می‌گیرد و همسر شکل اولیه دلبستگی و منبع عمده امنیت و احساس آرامش است. افرادی که احساس ایمنی می‌کنند، به همسر خود دلبستگی روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تری داشته و احساس مثبتی نسبت به خود دارند (بالبی، ۱۹۸۲؛ به نقل از کوه‌نشین طارمی و کاکابرایی، ۱۳۹۵).

در مقابل، کسانی که در دوره کودکی دلبستگی دوسوگرا و نایمینی را از خود نشان داده‌اند، نگران این هستند که شریک زندگی شان به اندازه‌ای که مایلند، واقعاً آنها را دوست نداشته باشند. آنها

5. Attachment Style

6. Secure Attachment

7. Insecure Attachment Ambivalent

8. Insecure Attachment Avoidant

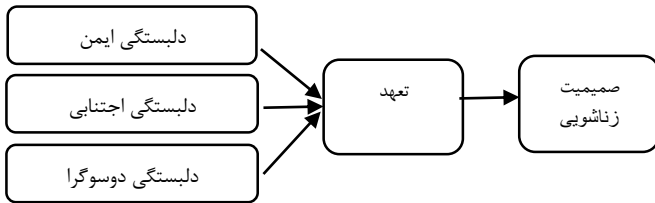
1. Love

2. intimate

3. commitment

4. Stenberg

پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تعهد عشق‌ورزی نقشی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی دارد؟



شکل ۱. الگوی فرضی مبنی بر میانجی‌گری تعهد عشق‌ورزی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با صمیمیت زناشویی

روش

پژوهش حاضر، با هدف تدوین مدل ساختاری سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی با میانجی‌گری مؤلفه‌های عشق انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متأهل (زن و مرد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران با تعداد ۱۱۷۷ نفر بود که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند. نمونه پژوهش با روش تصادفی طبقه‌ای و بر اساس جدول حجم نمونه کرجسی مورگان با تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی، توصیفی، همبستگی و از نوع خاص مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. به صورتی که مدل ارائه شده بر اساس مطالعه پیشینه موجود و اجرای ابزار پژوهشی توسط پژوهشگر تدوین شد. این مدل بر این اساس طراحی شد که سازه‌های سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های عشق از طریق تأثیر بر صمیمیت زناشویی تبیین می‌گردند. در ابتدا آزمودنی‌ها از حیث معیارهای ورود به پژوهش (از جمله، متأهل بودن، دارا بودن حداقل ۲۰ تا ۳۵ سال، رضایت آگاهانه به شرکت در پژوهش، دانشجویی در حال تحصیل دانشگاه، عدم شرکت همزمان در مداخلات روانشناختی دیگر و عدم ابتلا به اختلالات شناختی و روانی شدید)، مورد بررسی قرار گرفتند. سپس با رعایت ملاحظات اخلاقی در استفاده از نتایج پرسشنامه‌های پژوهش (شامل رعایت اصل رازداری، کسب رضایت آگاهانه از داوطلبین، تشریح اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان، در نظر گرفتن حق آزادی شرکت‌کنندگان جهت عدم تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش و تعیین و درج کد برای پرسشنامه کلیه آزمودنی‌ها) اجرا گردید. در پایان، داده‌های به دست آمده از اجرای پژوهش، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی از جمله ماتریس همبستگی، تحلیل

مضطرب، مردد و بی‌ثبات هستند (اردمان و کفری، ۲۰۰۳؛ به نقل از خالقی، ۱۳۹۲) و سبک‌های عشق و سواسی را نشان می‌دهند (حناری و صارمی، ۲۰۱۵). علاوه بر این، همواره نگران این هستند که همسرشان ممکن است آنها را نپذیرد یا رها کند (باتزر و کمپل، ۲۰۰۸). اگر کسی سبک دلبستگی دوسوگرا داشته باشد، روابط خود را بیشتر در معرض خطر می‌بیند و همسر خود را عامل این تهدید می‌داند (گراهام، ۲۰۱۱).

افراد مبتلا به الگوهای دلبستگی ناایمن - اجتنابی، به طور معکوس تحت تأثیر قرار گرفته و از نظر اجتماعی، فاصله می‌گیرند (بری و همکاران، ۲۰۱۴). این زوجین، از نزدیکی و وابستگی به دیگران احساس ناراحتی می‌کنند و جدایی عاطفی و خوداتکایی را ترجیح می‌دهند (گیورتر و همکاران، ۲۰۱۳). بر همین اساس، تمایل کمتری به مجاورت جسمی و نزدیکی روانشناختی با همسرشان دارند (اسلوتر و لوجیز، ۲۰۱۴) و نسبت به تعهد در رابطه عاشقانه شان بی‌میل هستند (برونل، پیلکینگتون و وبستر، ۲۰۰۷). هالی است و میلر (۲۰۰۶) معتقد است که افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی، درکی منفی از روابط خود دارند و سطوح پایین‌تری از اعتماد، صمیمیت و تعهد را نشان می‌دهند. در دوران بزرگسالی، دلبستگی اجتنابی، خود را به صورت ترس از صمیمیت در روابط عاشقانه، فراز و فرودهای عاطفی شدید و تجربه حسادت عاطفی نشان می‌دهد (هالی است و میلر، ۲۰۰۵). دلبستگی اجتنابی با سطوح پایدار صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی، ارتباط کمتری دارند (فینی ونولر، ۱۹۹۰؛ به نقل از حیدرئی و اقبال، ۱۳۹۰). همچنین فینی ونولر (۲۰۰۷) نیز به این نتیجه رسیدند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، اعتماد بیشتری به روابط خانوادگی داشته و در روابط عاشقانه پایدارند، در صورتی که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی اشتیاق کمی به تجربه عشق داشته و افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا هر چند تمایل به تعهد در رابطه داشتند ولی روابط عاشقانه در میان این گروه بسیار کم بود.

از آنجاکه هریک از زوجین سبک دلبستگی متفاوتی را با خود به این رابطه می‌آورند و به اعتقاد نظریه‌پردازان دلبستگی، افراد هنگام ورود به روابط عاشقانه، اغلب بر پایه روابط صمیمانه قبلی که با مراقبان اولیه خود داشته‌اند، با همسرشان ارتباط برقرار می‌کنند؛ می‌تواند میزان رضایت، صمیمیت و کیفیت تعاملات زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد و از اهمیت به سزایی برخوردار باشد. از این‌رو،

همبستگی چهار متخصص روانشناسی به دست آورد. اجرای همزمان این مقیاس با مقیاس عزت نفس کوپراسمیت روایی پرسشنامه سبک های دلبستگی را تأیید کرد. روایی همزمان این پرسشنامه توسط رحیمیان بوگر، نوری، عریضی سامانی، مولوی و فروغی مبارکه (۱۳۸۶) برای این پرسشنامه به ترتیب برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۷، برای سبک ناایمن اجتنابی ۰/۸۱ و برای ناایمن دوسوگرا ۰/۸۳ به دست آمده است (صدیقی ارفعی و تمنایی فر، ۱۳۹۲). هازن و شاور (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند (همان). کولینز و رید (۱۹۹۰) پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۹ را در مورد این ابزار گزارش کرده اند (همان). بشارت (۱۳۷۹) برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده کرد. محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای سبک های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۶۹ به دست آمد. در بازآزمایی، ضریب همبستگی بین دو اجرا ۰/۹۲ بود که نشانگر پایایی بسیار مطلوب پرسشنامه است. در پژوهش لطیفیان و دلاورپور (۱۳۹۱) برای احراز روایی، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج برای سبک های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۸ و ۰/۷۳ بود. همچنین، پایایی با آلفای کرونباخ در پژوهش نجاریان، صدیقی ارفعی و تمنایی فر (۱۳۹۲) ۰/۷۶ محاسبه شد.

مقیاس عشق مثلی استرنبرگ (STLS): این پرسشنامه ۴۵ سؤالی که توسط استرنبرگ (۱۹۸۶) طراحی شده، سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق، تعهد / تصمیم را هر کدام با ۱۵ سؤال مورد سنجش قرار می دهد. آزمودنی ها به هر سؤال نمره ای بین ۱ (به معنای به هیچ وجه) و ۷ (به معنای بسیار زیاد می دهند). نمرات بالاتر به معنای صمیمیت، شوریدگی و یا تعهد بیشتر می باشد (قمرانی و سادات جعفر طباطبایی، ۱۳۸۵). ۱۵ سؤال اول مربوط به صمیمیت، ۱۵ سؤال دوم مربوط به شور و اشتیاق و ۱۵ سؤال سوم مربوط به تعهد می باشد. زمانی که نمره فرد مساوی و کمتر از میانگین شد، نمره ضعیف و وقتی بالاتر از میانگین باشد، نمره قوی می گیرد. پس با مشخص شدن این که فرد در هر خرده مقیاس نمره ضعیف یا قوی به دست آورده است، سبک عاشقانه او مشخص می شود. از این طریق سبک عاشقانه فرد در ۸ زمینه مشخص می شود: فقدان عشق، همدلی، شیفتگی، عشق پوچ، عشق رومانتیک، دوست داشتن، عشق احمقانه و عشق آرمانی (استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ به نقل از محمودی و حافظ الکتب، ۱۳۸۹).

رگرسیون، برازش تحلیل مسیر، به کمک نرم افزار SPSS-21 و ایموس نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

ابزار

مقیاس صمیمیت زناشویی واکر و تامپسون: مقیاس صمیمیت زناشویی که توسط واکر و تامپسون (۱۹۸۳) برای سنجش مهر و صمیمیت تهیه شد، شامل ۱۷ گویه می باشد. این مقیاس جزئی از یک ابزار بزرگ تر است که چندین بعد صمیمیت را در بر می گیرد، اما توسط تهیه کنندگان آن به صورت مقیاس مستقلی گزارش شده است. نمره آزمودنی در مقیاس صمیمیت از طریق جمع نمرات سؤالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می شود. دامنه نمرات بین ۱ تا ۷ است و نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است (کوه نشین طارمی و کاکابرابی، ۱۳۹۵). واکر و تامپسون (۱۹۸۳)، پایایی مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ گزارش کرده اند. اعتمادی و همکاران (۱۳۸۵) ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس را ۰/۹۶ گزارش کرده اند. همچنین، روایی هم گرای آزمون از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه صمیمیت با گاروزی ۰/۸۲ به دست آمد. در این پژوهش نیز پایایی مقیاس به وسیله آزمون آلفای کرونباخ در مطالعه اولیه بر روی ۱۰۰ نفر از زنان جامعه هدف ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی هازن و شاور: سبک های دلبستگی مشارکت کنندگان با استفاده از سیاهه سبک های دلبستگی بزرگسالان (AII) سنجیده شد. این پرسشنامه ۲۱ سؤالی را بشارت (۱۳۷۹) با بهره گیری از مواد آزمون دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۷۸) برای ارزیابی سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ساخت. در این آزمون برای سنجش هریک از سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ۷ گویه تعلق می گیرد. انطباق گویه های پرسشنامه سبک های دلبستگی (AAI) را با هریک از خرده مقیاس های آن نشان می دهد. در انطباق گویه های پرسشنامه سبک های دلبستگی هازن و شاور (AAI) با خرده مقیاس ها، خرده مقیاس ناایمن اجتنابی شامل گویه های (۱ تا ۵)، خرده مقیاس ایمن شامل گویه های (۶ تا ۱۰) و خرده مقیاس ناایمن دوسوگرا شامل گویه های (۱۱ تا ۱۵) است. این آزمون با استفاده از یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای نمره گذاری می شود و به «هرگز» نمره ۱ و به «تقریباً همیشه» نمره ۵ تعلق می گیرد. بشارت (۱۳۷۹) روایی محتوایی این مقیاس را با سنجش ضرایب همبستگی نمره های چهار متخصص روانشناسی به دست آورد. اجرای همزمان این مقیاس را با سنجش ضرایب

صمیمیت زناشویی (۰/۹۹۰) که اعتبار هم‌گرایی بالایی جهت برازش مدل را نشان می‌دهد. بنابراین هیچ سؤالی از تحلیل حذف شد. مقادیر پایایی ترکیبی برای سازه‌ها بالاتر از مقدار ۰/۷ گزارش شده است: تعهد (۰/۹۹۴)، سبک ایمن (۰/۹۶۸)، سبک اجتنابی (۰/۹۶۲)، سبک دوسوگرا (۰/۹۶۱) و صمیمیت زناشویی (۰/۹۹۰) که نشان می‌دهد که، سازه از پایایی ترکیبی مناسبی برخوردار است. مقدار میانگین واریانس (AVE) برای شاخص تعهد (۰/۹۲۸)، سبک ایمن (۰/۸۳۸)، سبک اجتنابی (۰/۸۱۲)، سبک دوسوگرا (۰/۸۰۸) و صمیمیت زناشویی (۰/۸۶۵) و بالای ۰/۵ است که نشان می‌دهد مقدار واریانس تبیین شده متغیر مکنون توسط متغیر مشاهده شده مناسب است.

بر حسب نتایج جدول ۳، اثر مستقیم سبک ایمن بر صمیمیت زناشویی برابر با ۰/۰۷۸ و اثر غیر مستقیم آن از طریق متغیر میانجی صمیمیت برابر با ۰/۰۸۰ می‌باشد. همچنین نتایج درونی مدل نشان می‌دهد که تأثیر مستقیم سبک ایمن بر صمیمیت زناشویی (۰/۰۷۸) کمتر از تأثیر غیر مستقیم سبک ایمن بر صمیمیت زناشویی (۰/۰۸۰) می‌باشد. نتیجه آزمون سوبل نشان داد که در بررسی نقش میانجی‌گری متغیر تعهد در تأثیر سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) بر صمیمیت زناشویی به ترتیب (۱/۳۲، ۱، ۱/۳۵) شد ندکه به دلیل کمتر بودن از ۱/۹۶ می‌توان اظهار داشت که تعهد در تأثیر سبک‌های دلبستگی بر صمیمیت زناشویی نقش میانجی ندارد.

قناعت‌باجگیرانی، قنبری‌هاشم‌آبادی و ظریف (۱۳۹۲) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای مؤلفه‌های صمیمیت ۰/۸۹، شوریدگی ۰/۸۹ و تعهد ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند و ضرایب روایی برای مؤلفه‌های صمیمیت، شوریدگی و تعهد به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۷۷ و ۰/۹۲ به‌دست آوردند.

یافته‌ها

بر اساس نتایج توصیف آماری وضعیت جمعیت‌شناختی گروه‌ها، بیشترین میانگین مربوط به مقطع کارشناسی با متوسط سن ۱۸-۲۲ سال و مقطع کارشناسی بود.

میانگین کل گروه نمونه در صمیمیت زناشویی ۸۸/۶۸ و انحراف استاندارد آن ۳۲/۵۳۹، مؤلفه تعهد عشق‌ورزی ۹۷/۲۶ با انحراف استاندارد ۰/۰۸۸ و از بین سبک‌های دلبستگی بیشترین میانگین مربوط به سبک ایمن ۲۰/۷۰ با انحراف استاندارد ۷/۸۲۰ و کم‌ترین میانگین مربوط به سبک اجتنابی ۱۵/۹۳ با انحراف استاندارد ۷/۷۷۹ است. با توجه به دامنه چولگی بین ۳- تا ۳+ و کشیدگی بین ۵- و ۵+ نشان می‌دهد که توزیع متغیرها نرمال است.

باتوجه به جدول ماتریس همبستگی، بین متغیرهای پژوهش همبستگی معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. آلفای کرونباخ برای کلیه پرسشنامه‌ها، بالای ۰/۷ است: مؤلفه تعهد (۰/۹۹۴)، سبک ایمن (۰/۹۶۱)، سبک اجتنابی (۰/۹۵۳)، سبک دوسوگرا (۰/۹۵۲۲) و

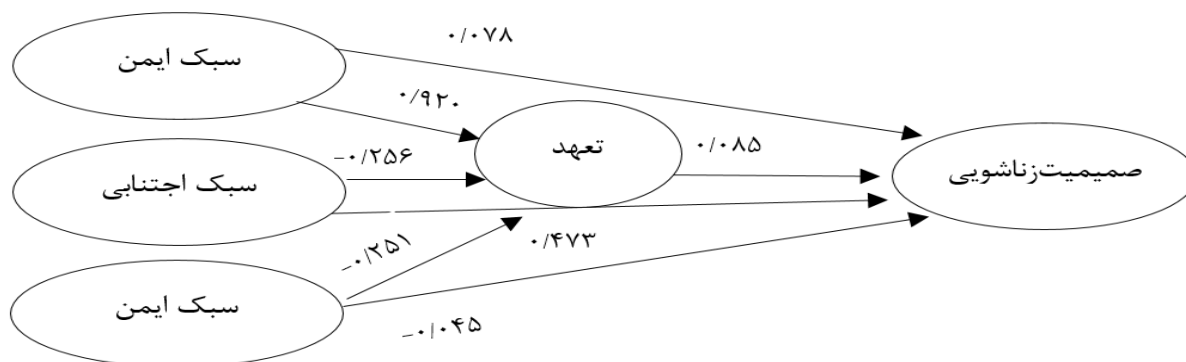
جدول ۱. توصیف نمرات صمیمیت زناشویی، تعهد عشق‌ورزی و سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	کمترین	بیشترین
صمیمیت زناشویی	۸۸/۶۸	۳۲/۵۳۸	-۰/۷۶۳	-۱/۱۹۶	۲۵/۰۰	۱۲۱/۰۰
تعهد	۹۷/۲۵	۴۴/۰۸۸	-۰/۷۰۶	-۱/۳۶۲	۱۶/۰۰	۱۳۵/۰۰
سبک ایمن	۲۰/۷۰	۷/۸۱۹	-۰/۵۵۴	-۱/۳۹۱	۷/۰۰	۳۰/۰۰
سبک اجتنابی	۱۵/۹۳	۷/۷۸۸	-۰/۵۵۸	-۱/۳۷۴	۶/۰۰	۲۹/۰۰
سبک دوسوگرا	۱۶/۳۷	۷/۵۶۹	-۰/۵۶۹	-۱/۳۰۲	۶/۰۰	۳۰/۰۰

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
صمیمیت زناشویی	۱	۰/۸۳۵**	۰/۷۸۹**	۰/۸۲۴**	۰/۷۸۹**	-۰/۸۱۶**	-۰/۸۴۱**
تعهد عشق‌ورزی	-	-	-	۱	۰/۷۰۳**	-۰/۶۶۲**	-۰/۷۰۳**
سبک ایمن	-	-	-	-	۱	-۰/۷۸۲**	-۰/۸۱۷**
سبک اجتنابی	-	-	-	-	-	۱	۰/۹۰۳**
سبک دوسوگرا	-	-	-	-	-	-	۱

**در سطح $P < 0.05$ معنادار است *در سطح $P < 0.01$ معنادار است



شکل ۱. مدل آزمون شده تحقیق در حالت استاندارد

جدول ۳. ضرایب اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل پژوهش					
از متغیر	مسیر	به متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
سبک ایمن			۰,۰۷۸	۰,۰۴۰	۰,۱۱۸
سبک اجتنابی	تعهد	صمیمیت زناشویی	-۰,۰۳۸	-۰,۰۲۱	-۰,۰۵۹
سبک دو سوگرا			-۰,۰۴۵	-۰,۰۲۱	-۰,۰۶۶

سبک دلبستگی دو سوگرا بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر معنی دار ندارد ($P > 0.05$ و $t = 1.646$ و $\beta = 0.045$) و سبک دلبستگی ایمن بر تعهد عشق دانشجویان متأهل اثر مثبت و معنی دار دارد ($P < 0.01$ و $t = 8.146$ و $\beta = 0.473$). به عبارت دیگر با افزایش سبک دلبستگی ایمن، تعهد عشق ورزی دانشجویان نیز افزایش می یابد.

با توجه به نتایج جدول ۵ و ضرایب تعیین به دست آمده، متغیر برون زای سبک های دلبستگی ۹۲ درصد از تغییرات تعهد و ۹۶ درصد از تغییرات واریانس صمیمیت زناشویی را تبیین می کند.

یافته های حاصل از آزمون مدل درونی تحقیق نشان داد که سبک دلبستگی ایمن بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل اثر مثبت و معنی دار دارد ($P < 0.05$ و $t = 2.068$ و $\beta = 0.078$). به عبارت دیگر با افزایش سبک دلبستگی ایمن، صمیمیت زناشویی افزایش می یابد. علاوه بر این، سبک دلبستگی اجتنابی ($P > 0.05$ ، $t = 1.083$) و سبک دلبستگی دو سوگرا بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر معنی دار ندارد ($P > 0.05$ و $t = 1.646$) و مؤلفه تعهد بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل اثر معنی دار ندارد ($P > 0.05$ ، $t = 1.471$ ، $\beta = 0.084$). با توجه به نتایج

جدول ۴. تحلیل فرضیات پژوهش				
ردیف	جهت مسیر	β	T	نتیجه آزمون فرضیات
۱	سبک دلبستگی ایمن بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر مستقیم دارد.	۰,۰۷۸	۲,۰۶۸	تأیید
۲	سبک دلبستگی اجتنابی بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر مستقیم دارد.	-۰,۰۳۸	۱,۰۸۳	رد
۳	سبک دلبستگی دو سوگرا بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر مستقیم دارد.	-۰,۰۴۵	۱,۶۴۶	رد
۴	مؤلفه تعهد بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر مستقیم دارد.	۰,۰۸۴	۱,۴۷۱	رد
۵	سبک دلبستگی ایمن بر مؤلفه تعهد دانشجویان متأهل تأثیر مستقیم دارد.	۰,۴۲۷	۸,۱۴۶	تأیید
۶	سبک دلبستگی اجتنابی بر تعهد دانشجویان متأهل تأثیر مستقیم دارد.	-۰,۲۵۵	۴,۶۱۶	تأیید
۷	سبک دلبستگی دو سوگرا بر تعهد دانشجویان متأهل تأثیر مستقیم دارد.	-۰,۲۵۱	۴,۲۹۶	تأیید

$$1/96 \leq T \leq 1/96$$

همان طور که در نتایج جدول ۶ مشاهده می شود، مقدار کیفیت کل مدل برابر با ۰/۸ است. چون این مقدار مثبت و بالای صفر است. بنابراین کل مدل از کیفیت قوی برخوردار است.

جدول ۵. نتایج بررسی ضریب تبیین متوسط		
سازه	R Square	میانگین (R2)
تعهد	۰/۹۱۹۵۷۶	
صمیمیت زناشویی	۰/۹۶۳۲۱۵	۰/۹۳

با نتایج پژوهش‌های بری و همکاران (۲۰۱۴) و هالیست و میلر (۲۰۰۶) هم‌خوان و هم‌سو نبود. در تبیین این نتیجه می‌توان اظهار کرد، زوجین دارای دلبستگی اجتنابی از نزدیکی و وابستگی به دیگران احساس ناراحتی می‌کنند و جدایی عاطفی و خوداتکایی را ترجیح می‌دهند (گیورتر و همکاران، ۲۰۱۳). بر همین اساس، تمایل کمتری نسبت به مجاورت جسمی و نزدیکی روانشناختی با همسرشان دارند (اسلوتر و لوچیز، ۲۰۱۴). علاوه بر این، فرهنگ غالب جامعه مورد مطالعه به تداوم ارتباط زناشویی در آن و لزوم سازش در مقابل تعارضات طاقت‌فرسای زندگی زناشویی تأکید فراوانی دارد. در نتیجه راه‌حل اکثر زوجین در مقابل فاصله عاطفی به وجود آمده متمرکز بر تحمل، سازش‌کاری، افسردگی، خودکشی و یا دیگرکشی می‌گردد.

از سوی دیگر، اولویت مطالبات همسر مرد نسبت به زن و همچنین تأکید بر نقش زن به‌عنوان فردی صبور که از نیازها و درخواست‌های خود چشم‌پوشی کند، موجب نادیده انگاشته شدن نیازهای فرزند دختر در روابط اولیه با والدین، نسبت به فرزندان پسر شده است به صورتی که عدم برآورده شدن درخواست‌های فردی و عاطفی ایشان موجب شکل‌گیری سبک دلبستگی اجتنابی می‌گردد و این به نوبه خود، می‌تواند منجر به کناره‌گیری و عدم توجه به درخواست‌های شخصی و احساس لذت از صمیمیت موجود در روابط بزرگسالی به ویژه در روابط زناشویی گردد. از این رو روابط زناشویی بیش از آن که ارمغانی صمیمیت با خود به همراه بیاورد، لزوم اجرای وظایف همسری را برایش یادآور می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد، سبک دلبستگی دوسوگرا بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل اثر معنی‌داری ندارد. این بدین معناست که سبک دلبستگی دوسوگرا موجب کاهش صمیمیت زناشویی نمی‌گردد. بنابراین، نتایج این یافته با مطالعات باتزر و کمپل (۲۰۰۸) هم‌خوان می‌باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان این گونه بیان کرد که، افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا همواره نگران این هستند که همسرشان ممکن است آنها را نپذیرد یا رها کند. بنابراین با توجه به سبک فرهنگی حاکم بر قومیت جامعه مورد نظر که تبعیض مردان و زنان را شامل می‌شود، زنان به گونه‌ای از دوران کودکی با فرهنگ مردسالاری خو گرفته و آن‌را پذیرفته‌اند. در نتیجه آموخته‌اند که باوجود تجربه احساس ناایمنی دوسوگرا برای ادامه زندگی

جدول ۶. نتایج بررسی اشتراک متوسط

سازه	اشتراک	میانگین اشتراک
سبک ایمن	۰/۸۳۸۵۰۳	
سبک دوسوگرا	۰/۸۰۸۱۳۶	
سبک اجتنابی	۰/۸۱۲۲۳۷	۰/۸۶
تعهد	۰/۹۲۸۳۷۶	
صمیمیت زناشویی	۰/۸۶۵۱۸۲	

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی ساختاری پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری مؤلفه تعهد عشق‌ورزی در دانشجویان متأهل انجام شد. نتایج به دست آمده حاکی از تأثیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن بر صمیمیت زناشویی دانشجویان بود. یافته به دست آمده با نتایج (شارانیا و ایکس، ۲۰۰۷؛ آلفاسی، گرامزو و کارنلی، ۲۰۱۰؛ فینی و نولر، ۲۰۰۷) هم‌سو بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت، تجارب دوران کودکی به‌عنوان یک عامل اساسی در افزایش و یا کاهش روابط صمیمانه محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت میزان صمیمیت در روابط زناشویی را می‌توان در سبک‌های دلبستگی زوجین جستجو کرد (میکولینسر، شاور و گیلاث، ۲۰۰۹).

زمانی که سبک دلبستگی به صورت امن شکل بگیرد، این امنیت به روابط میان‌فردی آینده و به ویژه روابط با همسر منتقل می‌شود. از این رو، ارتباط همسر را مملو از آرامش و امنیت می‌نگرند، از برقراری ارتباط واهمه ندارند و روابط برقرار شده را مملو از صمیمیت و عشق بیان می‌دارند (جانسون، ۲۰۱۸). در جامعه مورد بررسی به دلیل غلبه فرهنگ سنتی و مبتنی بر اهمیت پیوند احساسی بین اعضای خانواده، پررنگ بودن روابط عاطفی بین مادر و فرزندان و پذیرش نقش زن به‌عنوان مقدم دانستن سخن بزرگ‌ترها به ویژه همسر به عنوان وظیفه محوله از سوی فرهنگ و هنجارهای اجتماعی، به احتمال بیشتری افراد در روابط میان‌فردی به ویژه روابط زوجی، احساس ایمنی کنند، به همسر خود دلبستگی روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تری داشته و احساس مثبتی نسبت به خود داشته باشند. از این رو نتایج به دست آمده حاکی از تأثیر مستقیم دلبستگی ایمن بر صمیمیت زناشویی، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتایج به دست آمده نشان داد سبک دلبستگی اجتنابی بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل اثر معنی‌داری ندارد. نتیجه به دست آمده

روی دیگر شهرها در سطح کشور اجرا گردد. همچنین با توجه به اهمیت استقرار ساختار مطلوب دلبستگی در صمیمیت و تعهد زناشویی، به متخصصان حوزه رفتاری و پرورشی پیشنهاد می‌گردد از این مدل آموزشی جهت نحوه برقراری دلبستگی ایمن، افزایش کیفیت صمیمیت و ارتقاء تعهد عشق در زندگی زناشویی زوجین استفاده گردد. از همه بزرگوارانی که با همکاری، راهنمایی و مساعدت خود به اجرای پژوهش یاری رساندند، قدردانی می‌گردد.

منابع

- اعتمادی، عذرا (۱۳۸۷). افزایش صمیمیت زناشویی. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، ۱۳(۴۹ و ۵۰)، ۴۲-۲۱.
- اعتمادی، عذرا؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، سیداحمد؛ و فرزاد، ولی‌اله (۱۳۸۵). بررسی تأثیر زوج درمانی به شیوه ایماگو تراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۱۹)، ۲۲-۹.
- امانی، احمد؛ ثنایی‌ذاکر، باقر؛ نظری، علی محمد و نامداری‌پژمان، مهدی (۱۳۹۰). اثربخشی دو رویکرد طرح‌واره‌درمانی و دلبستگی درمانی در دانشجویان مرحله عقد. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۲)، ۱۹۱-۱۷۱.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹). ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسالان (گزارش طرح پژوهشی). تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- بلوم، ج (۲۰۰۲). نظریه‌های روان‌تحلیل‌گری شخصیت. ترجمه پرویز شریفی‌درآمدی و کامبیز کامکاری (۱۳۸۱)، اصفهان: مهرقایم.
- حسینی، بیتا (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی درمان هیجان محور و راه‌حل محور بر بهبود مؤلفه‌های بی‌آلایشی و سازگاری زناشویی زوجین و ساختن مدل پیشنهادی. پایان‌نامه دکترای تخصصی روانشناسی. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- حیدرئی، علیرضا و اقبال، فرشته (۱۳۹۰). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز. یافته‌های نو در روانشناسی، ۱۳۲-۱۱۳.
- خالقی، محمد (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت با ابعاد عشق در دانشجویان دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشگاه تهران.
- لطیفیان، مرتضی و آقا دلاورپور، محمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک دلبستگی و سلامت روان با واسطه‌گری خلاقیت هیجانی. تازه‌های علوم شناختی، ۵۴، ۶۲-۴۵.

در کنار همسران خود به عنوان وظیفه صمیمیت زناشویی را حفظ کنند.

بخش چهارم نتایج پژوهش نشان داد سبک‌های دلبستگی با مؤلفه عشق‌ورزی تعهد ارتباط معنی داری دارند. این یافته با نتایج حاصل از تحقیق قمرانی و طباطبایی (۱۳۸۲) که در آن مشخص شد عشق نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد، هم‌سو است. یافته‌های به دست آمده با پژوهش نوریس و همکاران (۲۰۱۲) که دریافتند افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی به علت نگاه مادی‌گرایانه به روابط، نمی‌توانند از عشق واقعی برخوردار باشند، نیز هم‌خوان است؛ چرا که در پژوهش حاضر نیز سبک‌های دلبستگی نایمن با مؤلفه تعهد عشق ورزی رابطه معنادار و منفی دارد. به این معنی که با کاهش دو سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دو سو گرا میزان تعهد در افراد متأهل افزایش می‌یابد. در واقع از این نتایج می‌توان چنین استنباط کرد افراد دارای سبک‌های دلبستگی نایمن، در صورتی از زندگی زناشویی خود راضی هستند که عاشق نباشند؛ چرا که عشق واقعی باعث کم رنگ شدن مادیات می‌شود. در واقع عشق متعهدانه با از میان برداشتن دید مادی‌گرایانه به رابطه زناشویی و آمیزه‌ای از پایبندی به حفظ عشق در روابط زناشویی، بر اضطراب آنها دامن زده و رضایت را از رابطه با همسرشان حذف می‌کند.

در پایان، نتایج پژوهش حاکی از تأثیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن بر صمیمیت زناشویی بود. هرچند تعهد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های عشق‌ورزی، نمی‌تواند نقش میانجی بین سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی در جامعه مورد نظر راداشته باشد و دلیل آن را چه بسا می‌توان در مؤلفه‌های قومیتی و فرهنگی جامعه مورد نظر دانست، اما سبک‌های دلبستگی بر تعهد عشق‌ورزی اثر مستقیم دارند. به بیان مورگان و شاور (۱۹۹۹)، درک تعهد به روابط عاشقانه، بدون در نظر گرفتن تأثیر سبک‌های دلبستگی بر تعهد زناشویی امکان‌پذیر نیست. از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که نتایج و یافته‌های بدست آمده تنها قابل کاربرد در جامعه آماری پژوهش حاضر می‌باشد و نمی‌توان آن را به جامعه آماری دیگر تعمیم داد. همچنین در این پژوهش امکان کنترل متغیرهایی مثل ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی گروه مورد مطالعه وجود نداشت. در پی تأیید فرضیه‌های پژوهش، پیشنهاد می‌گردد تا مدل ساختاری مورد بررسی بر روی اقشار مختلف سنی، اجتماعی، شغلی و تحصیلی، با در نظر گرفتن متغیرهای جمعیت شناختی و همچنین خرده فرهنگ‌های موجود بر

- Edlati, A. and Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 6(4), 132-137.
- Eysenk, MW. (2000). *Psychology: A student's handbook*. USA: Taylor and Francis group, 86-95.
- Feeney, J.A., & Noller, P. (2007). Attachment style and romantic love: Relationship dissolution. *Australian Journal of Psychology, University of Queensland*, 69-74.
- Givertz, M., Woszidlo, A., Segrin, C., & Knutson. K. (2013). Direct and indirect effects of attachment orientation on relationship quality and loneliness in married couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30, 1096-1120.
- Graham, J.M. (2011). Measuring love in romantic relationships: A meta-analysis. *Journal of Social and Personal Relationships*, 28(6), 748-771.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3), 511-524.
- Hollist, C. S., & Miller, R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54(1), 46-57.
- Honari, B., & Saremi, A.A. (2015). The Study of Relationship between Attachment Styles and Obsessive Love Style. *Social and Behavioral Sciences*, 165, 152-159.
- Johnson, S. (2018). Attachment in action — changing the face of 21st century couple therapy. *Current Opinion in Psychology*, 25, 101-104
- Mikulincer, M., Shaver, P., & Gillath, O. (2009). A Behavioral Systems Perspective on Compassionate Love. *The Science of Compassionate Love: Theory, Research, and Applications*, 223 – 256.
- Norris, J.I., Lambert, N.M., DeWall, C.N., & Fincham, F.D. (2012). can't buy me love? Anxious attachment and materialistic values. *Personality and Individual Differences*, 53(5), 666-669.
- Overbeek, G., Ha, T., Scholte, R., de Kemp, R., Engels, R.C. (2007). Brief report: Intimacy, passion, and commitment in romantic relationships--validation of a 'triangular love scale' for adolescents. *Journal of Adolescence*, 30(3), 523-8.
- Pines, M.A. (2005). *Falling in love* (why we choose the loves we choose). New York and hove: Rutledge.
- Ponizovsky, AM., Vitenberg, E., Baumgarten-Katz, I., & Grinshpoon, A. (2013). Attachment styles and affect regulation among outpatients with schizophrenia: Relationships to symptomatology and emotional distress. *Psychology and psychotherapy*, 86(2), 164-182.
- Slotter, E. B., & Luchies, L. B. (2014). Relationship quality promotes the desire for closeness among distressed avoidantly attached individuals. *Personal Relationships*, 21, 22-34.
- Stevens, N. A. (2005). *How Virtues and Values Affect Marital Intimacy*. Department of Marriage and Family Therapy Masters of Science. Brigham Young University.
- قمرانی، امیر و طباطبایی، سمانه‌سادات (۱۳۸۵). بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت زناشویی، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۵(۱۷)، ۹۵-۱۰۹.
- قناعت باجگیرانی، سونه؛ قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی و ظریف، فرزانه (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و سبک‌های عشق ورزی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۴(۱۶)، ۸۳-۶۹.
- کوه‌نشین طارمی، فریبا و کاکابرابی، کیوان (۱۳۹۵). رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و سبک‌های دل‌بستگی با صمیمیت زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه. تهران: کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری.
- گراوند، فرهاد و میرزایی، شهاب (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی دانشجویان: نقش میانجی قصه عشق. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۳(۲)، ۱۴۹-۱۳۳.
- محمودی، غلامرضا و حافظ‌الکتاب، لیلی (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های عشق ورزی و رضایت‌مندی زناشویی. تحقیقات روانشناختی، ۲(۶)، ۱۱۴-۱۰۱.
- نجاریان، زکیه؛ صدیقی ارفعی، فریبرز و تمنایی‌فر، محمدرضا (۱۳۹۴). پیش‌بینی سبک‌های مقابله‌ای و ابراز وجود بر اساس سبک‌های دل‌بستگی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های کاشان. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴۳، ۱۲۰-۹۵.
- Alfasi, Y., Gramzow, R. H., & Carnelly, K. B. (2010). Adult attachment patterns and stability in esteem for romantic partners. *Personality and Individual Differences*, 48(5), 607-611.
- Atak, H., Tastan, N., (2012), Romantik İlişkiler ve Ask, Psikiyatride Guncel Yaklaşımlar-Current. *Approaches in Psychiatry*, 4(4), pp.520-546. En. Article
- Berry, K., Roberts, N., Danquah, A., & Davies L. (2014). An exploratory study of associations between adult attachment, health service utilization and health service costs. *Psychosis*, 6(4), 355-358.
- Brunell, A. B., Pilkington, C. J., & Webster, G. D. (2007). Perceptions of risk in intimacy in dating couples: Conversation and partner perceptions. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26, 93-117.
- Butzer, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Personal Relationships*, 15, 141-154.
- Charania, M. R., & Ickes, W. (2007). Predicting marital satisfaction: Social absorption and individuation versus attachment anxiety and avoidance. *Personal Relationships*, 14, 187-208.
- Downing, U. (2008). *Attachment style, relationship satisfaction, intimacy, loneliness, genre role beliefs and the expression of authentic self in romantic relationship*. University of Maryland for the degree of PHD psychology.

- Sternberg, R. J. (2006). *A duplex theory of love*. In R. J. Sternberg & K. Weis (Eds.), *the new psychology of love*.
- Swensen, CH., & Trahaug, G. (1985). Commitment and the Long-Term Marriage Relationship. *Journal of Marriage and the Family*, 47(4), 939-45.
- Vernon, M.L. (2006). *Adult attachment style, passionate love, and the frustration of intimacy*. Master thesis. Department of Psychology, University of Massachusetts Amherst.